

# تجارت قرن بیست و یکم

نوشته‌ی  
رابرت کیوساکی  
به همراه  
جان فلمینگ

ترجمه‌ی  
بردیا شامرادی

ویراستار  
فرشید قهرمانی

# فهرست

۹	مقدمه .....
۱۳	بخش اول: کنترل آینده‌تان را به دست بگیرید .....
۱۵	فصل اول: قانون‌ها تغییر کرده‌اند .....
۲۳	فصل دوم: لایه‌ی نقره‌ای .....
۳۱	فصل سوم: کجا زندگی می‌کنید؟ .....
۳۷	فصل چهارم: ارزش‌های اصلی مالی‌تان .....
۴۵	فصل پنجم: ذهنیت یک کارآفرین .....
۵۳	فصل ششم: وقت آن رسیده که کنترل را به دست بگیرید! .....
۵۹	بخش دوم: یک کسب‌وکار- هشت ویژگی خلق ثروت .....
۶۱	فصل هفتم: سال‌های سال کار .....
	فصل هشتم: مسئله درآمد نیست؛ مسئله ویژگی‌های مثبتی است که ایجاد درآمد می‌کند .....
۷۱	فصل نهم: دارایی اول: آموزش تجارت در دنیای واقعی .....
۷۷	فصل دهم: دارایی دوم: راهی برای رشد شخصی .....
۸۳	فصل یازدهم: دارایی سوم: حلقه‌ی دوستانی که هدف‌ها و ارزش‌هایی مثل شما دارند .....
۹۳	فصل دوازدهم: دارایی چهارم: قدرت اثرگذاری شبکه‌تان .....
۹۷	فصل سیزدهم: دارایی پنجم: کسب‌وکاری تکثیرپذیر و قابل اندازه‌گیری . ۱۰۵
۱۱۳	فصل چهاردهم: دارایی ششم: مهارت‌های بی‌مانند رهبری .....
۱۲۱	فصل پانزدهم: دارایی هفتم: سازوکاری برای خلق واقعی ثروت .....
۱۲۹	فصل شانزدهم: دارایی هشتم: آرزوهای بزرگ و ظرفیت رسیدن به آن‌ها .... ۱۲۹
۱۳۷	بخش سوم: آینده‌ی شما از همین حالا شروع می‌شود .....
۱۳۹	فصل هفدهم: درست انتخاب کنید .....

- 
- فصل هجدهم: چگونه ..... ۱۴۷
- فصل نوزدهم: زندگی ..... ۱۵۷
- فصل بیستم: کسب و کار قرن بیست و یکم ..... ۱۶۵

## فصل اول

### قانون‌ها تغییر کرده‌اند

کنار رودی کوچک نشسته‌ام و در حالی که فکر می‌کنم، به صدای جریان آب گوش می‌دهم. خنکی پاییز را در هوا حس می‌کنم. نسیمی ملایم در حال وزیدن است و صدای خش‌خش برگ‌ها سمفونی آرامش را می‌سراید.

در یکی از پژوهش‌های مجله‌ی **USA Today**، ۶۰ درصد  
از آمریکایی‌ها بر این باور بودند که وضعیت  
اقتصادی دنیای امروز، بزرگ‌ترین  
بحران در زندگی‌شان است.

در پاییز سال ۲۰۰۸ ناگهان پرونده‌های استخدامی بسیاری از شاغلان، نیمی از اهمیت و ارزش خودش را از دست داد. بازار معاملات املاک دچار رکود شد. آنچه مردم فکر می‌کردند دارایی مالی‌شان است ناگهان دود شد و به هوا رفت. امنیت شغلی دیگر

واژه‌ای خیالی بود. در یکی از پژوهش‌های مجله‌ی USA Today، ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها بر این باور بودند که وضعیت اقتصادی دنیای امروز، بزرگ‌ترین بحران در زندگی‌شان است.

البته شما همه‌ی این‌ها را می‌دانید. نکته‌ای که ممکن است از آن آگاهی نداشته باشید این است که تعداد زیادی به سختی از خواب غفلت بیدار شدند و متوجه شدند که زندگی‌شان در خطر است. درآمد شما همیشه در خطر بوده... این چیزی نیست که به این دوره‌ی خاص اقتصادی مربوط باشد.

خیلی از آمریکایی‌ها سال‌هاست که روی لبه‌ی تیغ زندگی می‌کنند. آن‌ها همیشه منتظر حقوق ماه بعد هستند تا مخارج ماه قبل را جبران کنند... آن‌ها معمولاً یا پس‌اندازی ندارند یا پس‌اندازشان خیلی کم است. حقوق برای آن‌ها به معنای فروختن زمان‌شان است. در دوران رکود اقتصادی این نوع حقوق‌ها پرمخاطره‌ترین نوع درآمد بوده‌اند.

### به شما گفته بودم

من کسی نیستم که این‌طور حرف بزنم، اما واقعاً به شما گفته بودم.

سال‌هاست که این را به شما گفته‌ام. دیگر چیزی به نام شغل امن وجود ندارد. اقتصاد آمریکا مثل دایناسورها در حال نابودی و انقراض است. تنها راه رسیدن به امنیت شغلی این است که آینده‌تان را خودتان کنترل کنید.

در سال ۲۰۰۱ در کتاب کوچکی به نام درس‌هایی از کسب‌وکار برای کسانی که می‌خواهند به دیگران کمک کنند، نوشتم:

به نظر من ایالات متحده و بسیاری از کشورهای  
 غربی باید در انتظار بحرانی اقتصادی باشند. دلیل  
 این بحران این است که سیستم آموزشی و  
 تحصیلی نتوانسته برنامه‌ی واقعی مالی  
 و اقتصادی برای دانش‌آموزان  
 فراهم کند.

در همان سال در مصاحبه‌ای گفتم:

«اگر گمان می‌کنید که می‌توانید به بالا و پایین رفتن بازار سهام  
 برای رسیدن به سود دل ببندید، ممکن است زندگی‌تان را با این کار از  
 دست بدهید. چه اتفاقی خواهد افتاد اگر بازار سهام دوباره مثل سال  
 ۱۹۸۵ سقوط کند؟ شما کنترل‌ری روی این بازار ندارید. نمی‌گویم  
 خریدن سهام کاری بد است. فقط می‌گویم این کاری پرمخاطره است.  
 من که تمام سرمایه و زندگی‌ام را در بازار سهام شرط‌بندی نمی‌کنم!  
 این دیوانگی است. آیا فکر می‌کنید برنامه‌های بیمه‌ی تأمین اجتماعی به  
 شما کمک خواهد کرد؟ این فکری دور از واقعیت است.»

در مارس ۲۰۰۵ هم مصاحبه‌ای داشتم که در آن گفتم:

«قدرت و اثرگذاری دارایی‌های پولی، ارزش و نقدینگی آن است  
 که از قضا همین نکته، بزرگ‌ترین ضعف و خطر آن هم به حساب  
 می‌آید. همه‌ی ما می‌دانیم که رکود اقتصادی بزرگ دیگری در راه است  
 که دوباره به ما ضربه‌ی بزرگی خواهد زد.»

چه اتفاقی افتاد؟ رکود اقتصادی بزرگی داشتیم و تعداد زیادی  
 ضربه‌هایی مهلک خوردند. چرا؟ چون عادت‌ها و ذهنیت قدیمی‌شان را  
 تغییر ندادند. در سال ۱۹۷۱ اقتصاد آمریکا بدون تأیید کنگره، دیگر به